

# گور به جای حوری در انتظار تروریست‌ها

صفحه ۱۵



# اسد کودتا را محکوم کرد اما عربستان نه!

صفحه ۱۵

## تیتراهای امروز

### غیرت ملی داریم

گفت‌وگوی «وطن امروز» با بهرام عظیمی، هادی محمدیان و روانبخش صادقی درباره فرصت‌ها و غفلت‌های سینمای انیمیشن در ایران



صفحه ۱۲

واکنش وزارت امور خارجه به اظهارات رئیس سیا در حمایت از حسن روحانی

### رئیس سیا بی‌ربط می‌گوید

صفحه ۲

### حسن عباسی عذرخواهی کرد

صفحه ۲

رئیس سازمان حج و زیارت تشریح کرد

### جزئیات اعزام زائران اربعین

صفحه ۴

## چراغیبه

### روزنامه دولت دکل «وطن امروز» را اجاره داد!



در بسی درج مطلبی خلاف واقع درباره «وطن امروز» به نقل از یک منبع آگاه در اوقات در صفحه اول روزنامه دولت مورخ ۱۱ مرداد، روابط عمومی «وطن امروز» جوابیه‌ای را برای آن روزنامه ارسال کرده که در ادامه می‌خوانید.

«سیر ماجرای اخیر اختلاف میان اداره اوقاف غرب تهران و روزنامه «وطن امروز» در رسانه‌های دولت بسیار جالب توجه است: اول مدعی شدند «وطن امروز» به‌طور رایگان در ساختمان اوقاف مستقر است؛ بعد که یک فقره از اسناد واریز اجاره به حساب اداره اوقاف منتشر شد، گفتند «وطن امروز» از ابتدای دولت یازدهم اجاره نداده است؛ یعنی از استقرار رایگان به مستاجر بدکار تغییر فاز دادند. بعد که اسناد ودیعه و هزینه بازسازی ساختمان مخروبه و چک‌های پرداختی دیگر منتشر شد، شروع کردند به دبه درآوردن که اجاره ساختمان باید بیشتر می‌بوده است و مدام حرف‌ها عوض شد.

دست آخر هم در دروغی آشکار، ریختن وسایل روزنامه «وطن امروز» به خیابان توسط اوقاف در مطلب مورخ ۱۱ مرداد آن روزنامه از سوی منبع آگاه تکذیب شده است؛ که جهت اطلاع به عرض آن روزنامه می‌رساند عکس و فیلم این حادثه تماما ثبت و ضبط شده است و جایی برای انکار وجود ندارد. در ادامه این سریال، همچنین منبع آگاه شما درباره «وطن امروز» کشف مضحکی کرده و آن کشف عینا این است: «اجاره دادن دکل که بالای ساختمان وجود دارد که مبلغ اجاره را دریافت کردند و علاقه‌ی بی‌اوقاف نداشتند».

جالب توجه اینکه دکل فوق‌الذکر، یک دکل تک رادیویی دریافت اینترنت است و هیچ کاربری دیگری غیر از دریافت اینترنت برای روزنامه ندارد، چه برسد به اینکه قابل اجاره دادن باشد! منبع محترم این دکل را با چه دکل اشتباه گرفته خدا می‌داند! دروغ‌های دیگری هم مانند مکاتبه درباره ودیعه ساختمان مطرح شده بود که لازم است منبع محترم اسناد آن را ارائه دهد چراکه «وطن امروز» در متن شکایت خود از روزنامه ایران به آنها اشاره کرده است».

### ما نمی‌توانیم و پیامدهای آن

سعید حاجی پور

مقاومتی و جهاد اقتصادی شرکت می‌کنند تا دیروز توافق به هر قیمتی را فریاد می‌زدند و مشکل اصلی اقتصاد مملکت را تحریم و راه رفع آن را توافق می‌دانستند. این جماعت، حاصل نگاه «ما نمی‌توانیم» در بدنه علمی کشور هستند. در بعد اجرایی، پسابرجام پر است از مواردی که «ما نمی‌توانیم» را فریاد می‌زند. به‌عنوان مثال دولت محترم بی‌توجه به پیشرفت‌های چشمگیر صنعتگران و متخصصان داخلی در یک اقدام عجیب و در سکوت خبری اقدام به عقد قرارداد احداث نیروگاه برق ۵ هزار مگاواتی با شرکت ترکیه‌ای یونیت‌اینتر نیشنال کرده است. براساس این قرارداد ۱۰ درصد ظرفیت تولید برق حرارتی کشور به این شرکت واگذار می‌شود. در اوضاعی که تولیدکنندگان داخلی برق ۱۲ هزار میلیارد تومان از وزارت نیرو طلب دارند - در تبعیضی آشکار- در این قرارداد دولت به طرف ترک تضمین می‌دهد اگر وزارت نیرو قادر به پرداخت مبالغ قرارداد نشود، وزارت اقتصاد و در نهایت بانک مرکزی این مبالغ را پرداخت خواهند کرد. به‌نمونه‌ای دیگر اشاره کنیم: علاقه‌افر دولت جهت عقد قرارداد با شرکت نفتی توتال عجیب و شگفت‌آور است. شرکتی که با بدعهدی تمام در دوران تحریم خلف وعده کرد و قبل از آن نیز در میادین مشترک با قطر ضررهای هنگفتی به وار وارد کرده است چرا باید در صدر لیست شرکت‌های نفتی طرف قرارداد در پسابرجام باشد. ورود سرمایه خارجی در توسعه میادین نفت و گاز کشور قابل قبول است اما ورود خارجی‌ها به بهای نابودی صنعت داخلی به‌هیچ وجه قابل توجیه نیست. این‌علاقه به حضور خارجی‌ها و عدم توجه به صنعتگران داخلی نشان از دیدگاه «ما نمی‌توانیم» در بدنه تصمیم‌گیری دولت است.

این جملات بخشی از صحبت‌های رئیس‌جمهور محترم در همایش سالگرد تأسیس شرکت ملی گاز است. بیان این جملات صریح و شفاف از سوی جناب ایشان که نشانگر اعتقادات و نوع نگرش ایشان به مسائل مملکت است جای تشکر و قدرانی دارد. بنا برایناتی از این قسم تحلیل مسائل و عملکرد دولت برای جماعتی - که در برخی امور متحیر نوع رفتار و کردار دولتمردان می‌شوند - آسان خواهد شد. لکن این دیدگاه نه تنها در بدنه دولت، بلکه در بخش‌هایی از قوه مقننه، اصحاب رسانه، جامعه دانشگاهی و بخش‌های دیگر حکومت حضور دارد و با قوت دنبال و تبلیغ می‌شود. به چند نمونه از خروجی‌های این تفکر توجه کنید.

برای حقیر اقتصادخوانده همواره جای سوال بود چرا از سوی اساتید و بزرگان علم اقتصاد کشور - که سال‌های متمادی از بودجه مملکت و بیت‌المال ارتزاق کرده‌اند - پیشنهاد و راه‌حلی برای رفع مشکلات ناشی از تحریم مطرح نمی‌شود. البته نباید این گزاره را به عموم تعمیم داد، لکن اکثریت این جماعت توجه خاص و دقیقی به این امر نداشته و بسیار عادی از کنار آن گذر کرده‌اند. شاهد مثال این مدعا سیاهه عناوین مقالات و پایان‌نامه‌های اقتصادی منتشرشده در چند سال اخیر است که اگر با دوران مشابه قبیل از آن مقایسه شود تغییرات محسوسی در آن مشاهده نمی‌شود.

شاید بتوان این بی‌توجهی را بزرگ‌ترین تناقض نظام علمی کشور نام نهاد. جماعتی که برای رفع نیازهای کشور تربیت شده‌اند و از نسبی ایشان تشریح شود. لکن باید یادآور شد هرآنچه امروز مایه آبرو، عزت و استقلال جمهوری اسلامی در جهان شده است ناشی از اعتماد به نفس، خودباوری و اعتقاد جوانان این مملکت به شعار «ما می‌توانیم» است نه سازش با قدرت‌های بزرگ، که اگر این چنین بود امروز نه از صنعت هسته‌ای خبری بود که منتهی به پرجام تابان شود و نه از صنعت دفاعی که امروز امنیتی را برای این مرز و بوم به ارمان بیاورد. «کارشناس ارشد اقتصاد

### مدعیان آزادی و گروه هفت کچلون

### ابتدال آزادی خواهی لیبرال‌ها و سنگ محک وطن

نداشت همان‌طور که شهردار منتخب همان شورای شهر حق حضور در جلسات هیات دولت را نداشت! روزنامه‌های زنجیره‌ای حق داشتند مجوز تظاهرات علیه خدا و به موزه فرستادن امام و... را تیتیر یک کنند اما صدا و سیمای جمهوری اسلامی حق نداشت تصاویری از کنفرانس خیانتبار برلین را پخش کند و وقتی تصویری محدود از آن را پخش کرد رئیس صدا و سیمای از ورود به جلسات هیات دولت منع شد. شکل‌های دولت‌ساخته حق داشتند در تریبون‌های آزاد قیام حضرت ابعبدالله(ع) را یک دعوی خانوادگی بخوانند اما همزمان اندک تشکل‌های انقلابی و مستقل باقیمانده در دفتر تحکیم وقت تهدید و اعضای‌شان با احکام سنگین کمیته انضباطی مواجه می‌شدند و از طریق خانواده‌ها تحت فشار قرار می‌گرفتند. شعار توسعه سیاسی و «آشگاه، چشم نگران جامعه مدنی» داده می‌شد اما همزمان هر مخالفتی در نطفه خفه می‌شد؛ عده‌ای لفظ «آدم باش! میدم بیرون کننند» و عده‌ای با «تهدید به برخورد امنیتی» توسط وزیر علوم دموکراسی‌خواه، جناب آقای دکتر معین. این در حالی بود که همه اینها در رسانه‌های اصلاح‌طلب سانسور می‌شد. همان‌طور که نقدهای اساسی به دولت و مناظره‌های نظری جدی مانند مناظره‌های رحیم‌پور و حجاریان در روزنامه‌های زنجیره‌ای سانسور می‌شد و در عوض سخنان قطع شده فلان امام جمعه تا حد ممکن ضریب پیدا می‌کرد. همان‌طور که هیچ روزنامه اصلاح‌طلبی نوشت که در تاریخ ایران تاکنون ۳ نهاد که با رای مردم بر سر کار آمده‌اند چگونه منحل شده‌اند! اولی مجلس شورای ملی با چکمه‌ها و توپخانه لیاخف، دومی مجلس شورای ملی با دستور جناب مصدق و سومی هم شورای شهر اول هم‌سو با دولت توسط اصلاح‌طلبان! همچنان که حالا خبر شکایت دولت از تشکل‌های دانشجویی به خاطر چند علامت تعجب در رسانه‌های‌شان سانسور می‌شود. انتظار عمل مبنایی به شعار آزادی از جریانی که در اوج بی‌هویتی است و در عمل تبدیل به رحم اجارهای جریان راست سنتی شده و برای ریاست مجلس همان علی لاریجانی که روزی به جلسه هیات دولت اصلاحات راه پیدا نمی‌کرد مارش پیروزی می‌زند، انتظاری بیپوده است.



در برخی رسانه‌های داخلی از جمله خبرگزاری‌های دولتی که کبابه دفاع از آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات می‌کشند، مقداری عجیب بود. رفقایی که خیلی دقیق نمی‌دانستند مساله آزادی و آزادی بیان برای رسانه‌های زنجیره‌ای و چه‌های نامد و لیبرال‌های نیم‌بند نه یک مساله واقعی و مبنایی بلکه یک دعوی کار راه‌انداز انتخاباتی است و «زنده باد مخالف من» تنها تیتیر خوبی برای پوسترهای تبلیغاتی! ۳- مساله آزادی برای جماعت چه‌های نامد

هیچگاه یک مساله مبنایی نبوده است؛ آنها که دهه ۶۰ بنا به اقتضات زمانه و لزوم ماندن در قدرت حرف از ولایت مطلقه فقیه حداکثری و «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم» می‌زدند، در دهه ۷۰ با مصادره مولفه‌های گفتگمانی خود توسط جریان راست و همچنین اثرات دولت اقتدارگرای هاشمی رفسنجانی سریعاً گفتگان اجاره‌ای آزادی رفتند؛ گفتگمانی که آنها چه در سال‌های حکمرانی و چه غیر از آن در نظر و عمل هیچ پایبندی به مولفه‌هایش نداشتند.

به لحاظ نظری آزادی از نگاه نولیبرال‌های چپ تنها در حیطه «آزادی من» معنا پیدا می‌کرد و چون توجه به آزادی «جز من» هزینه‌زا بود، راهی به ادبیات و سیاست‌های اعلامی و اعمالی آنها نداشت. رسانه‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلب حق کشیدن کاریکاتور آیت‌الله مصباح را داشتند ولی آیت‌الله مصباح‌یزدی حق مناظره با آنان دربره دعوی جریان سروسر و نداشت. شورای نگهبان حق نظارت بر انتخابات شورای شهر را

**یادداشت امروز** محمد زعیب‌زاده: ۱- روز سه‌شنبه هفته گذشته در کنار دوستان‌مان در «وطن امروز» نبودم اما آنچه درباره فتح دفتر وطن و بیرون ریختن اسباب و وسایل‌شان شنیدم سکانس طلایی قسمت اول شهرزاد را در ذهنم تداعی کرد. سکانسی که در شلوغ‌بازیه‌های ارادل و اوپاش در مرداد ۱۳۲۲، دفتر یک روزنامه منتقد مورد تفقد قرار گرفت و بر سر «فرهاد دماوندی» آن آمد که دیدید. هر چقدر هم در تاریخ بررسی کردم از آن روزگار تا حالا چنین برخوردی را با هیچ روزنامه‌ای نیافتیم. در واقع آخرین مدال به خیابان ریختن وسایل یک روزنامه بر سینه جناب شعبان مغزدار و گروه هفت کچلون درخشیده بود.

فعلا با محق بودن «وطن امروز» با آن نهاد خاص در ماجرای اجاره‌بها کاری ندارم اما اگر یک روزنامه مستقل غیردولتی و اتفاقاً منتقد درباره اجاره‌بها با متولی ساختمان‌ش به مشکل خورد، فارغ از اینکه حق با کیست، آیا این درست است که اسباب و اثاثیه‌اش را در خیابان ولو کنیم؟ این با کدام منطق جامعه مدنی و آزادی بیان قابل توجیه است؟ رسانه و روزنامه مگر نباید زبان گویای جامعه باشد؟ آیا این برخوردها موجب لالی یا حداقل لکت رسانه‌ها نمی‌شود؟ آیا اینگونه نواختن رسانه‌های منتقد، به یک‌سویه کردن جریان اطلاع‌رسانی در جامعه نمی‌انجامد؟ وقتی رکن چهارم دموکراسی را اینگونه تسیر زدی چگونه قرار است چهارپایه دموکراسی مستقری‌ماند؟

۲- خوشحالی مسعود بهنود و بی‌بی‌سی از تعطیل شدن «وطن امروز» هر چند موقت و یک روزه، برگ زرین دیگری برای این روزنامه است. بهنود آنقدر خوشحال است که حتی برای نمایش خبر تعطیل شدن «وطن» دم خروسش بیرون می‌زند و از تیتیر معروف «خبر مرگش» برای این کار استفاده می‌کند، یعنی اینکه کنایه وطن به آل سعود آنقدر برای بهنود و شرکا و آن وزیر فرهنگ کذایی که از منتفعان خانوادگی بورس‌های سعودی و ضیافت جنداریه است، سنگین آمده که برای تعطیلی وطن لحظه‌شماری می‌کرده‌است. ذوق‌زدگی بهنود و شرکا از این اتفاق چندان جای تعجب نداشت اما برای برخی رفقا که نگاه صنفی‌تری به مساله مطبوعات و حوزه روزنامه‌نگاری داشتند، ادامه خط مبتدل مسعود بهنود و بی‌بی‌سی